

Research paper
1(2), 183-199, Spring and Summer, 2023

A Study of the Spatial Metaphors of Despair and Hope in Four Novels of the Last Four Decades

Sayede Fatemeh Hosseini¹, Maryam Iraj², Sayed Abdolmajid Tabatabaee Lotfi³

Article Info

Article type:

Research article

Article history:

Received: 18 May 2023

Accepted: 24 July 2023

Keywords:

metaphor,
literature,
hope,
despair,
Lakoff

ABSTRACT

Literature in every period has shown and reflected the conditions of the society from the progress and decline to despair and hope of its people. Happiness and sadness are two important elements in life which are expressed in language and literature. The present study has tried to investigate the metaphors of despair and hope in the literature of the recent four decades and the impact of society on it in the most popular novels of the last four decades based on the framework of Lakoff (1980). For this purpose, four popular novels from the 60s "Nakhlaye Bisar", 70s "Roya Mahe Khoda ra Bebos", 80s "Cheragh ha ra Man Khamosh Mikonam" and the 90s novel "Paeiz Fasl Akhar Ast" were analyzed in a descriptive-analytical way. The body of the research is sentences from all four novels, which were analyzed separately, and metaphors of high and low, which indicate hope and despair, were extracted and analyzed separately. The findings showed that in the literature of all four decades, low metaphors were used more and the highest frequency appeared in the 90s, and the conditions and atmosphere of the society were effective in the ups and downs of these metaphors.

Cite this article: Hosseini, S. F., Iraj, M. & Tabatabaee Lotfi, S. A. (2023). "A Study of the Spatial Metaphors of Despair and Hope in Four Novels of the Last Four Decades". *Journal of Linguistic Studies: Theory and Practice*, 1 (2), 183-199.



© The Author(s).

Publisher: University of Kurdistan.

DOI: 10.22034/jls.2023.62845

1. PhD Student, Department of linguistics, Qom branch, Islamic Azad university, Qom, Iran, E-mail: hosseini647@gmail.com
2. Assistant professor, Department of linguistics, central Tehran branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: miraji180@gmail.com
3. Assistant Professor, English Language Department, Islamic Azad university, Qom, Iran. E-mail: majidtabatabaee1@gmail.com

نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی

نظریه و کاربرد

سال اول، دوره اول، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۴۰۲، ص ۱۹۹-۱۸۳

بررسی استعاره‌های فضایی یأس و امید در چهار رمان چهار دهه اخیر

سیده فاطمه حسینی، مریم ایرجی، سید عبدالمجید طباطبایی لطفی

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ وصول:

۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش:

۲ مرداد ۱۴۰۲

واژه‌های کلیدی:

استعاره،
ادبیات،
امید،
یأس،
لیکاف.

ادبیات در هر دوره‌ای نشان‌دهنده و بازتاب شرایط جامعه از پیشرفت و افول، یأس و امید مردمان بوده است. شادی و غم دو عنصر مهم در زندگی است که تبلور آن در زبان و ادبیات نیز نمود پیدا کرده است. پژوهش حاضر سعی داشته به بررسی استعاره‌های یأس و امید در نمونه‌هایی از ادبیات چهار دهه اخیر و تأثیر جامعه بر آن از میان پرمخاطب‌ترین رمان‌های چهار دهه اخیر بر اساس چارچوب لیکاف (۱۹۸۰) بپردازد. بدین منظور چهار رمان پرمخاطب، از دهه ۶۰ «نخل‌های بی سر»، «روی ماه خدا را ببوس»، «چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم» و رمان دهه ۹۰ «پاییز فصل آخر است» به شیوه توصیفی - تحلیلی مورد بررسی قرار گرفت. پیکره پژوهش جملاتی از هر چهار رمان است که جداگانه بررسی و استعاره‌های بالا و پایین که حاکی از امید و یأس است استخراج و جداگانه تحلیل گردید. یافته‌ها نشان داد که در ادبیات هر چهار دهه استعاره‌های پایین بیشتر استفاده شده و بیشترین فراوانی آن در دهه ۹۰ پدیدار گشته و شرایط و فضای جامعه در فراز و فرود این استعاره‌ها مؤثر بوده است.

استناد: حسینی، سیده فاطمه، مریم ایرجی و سید عبدالمجید طباطبایی لطفی (۱۴۰۲). «بررسی استعاره‌های فضایی یأس و امید در چهار رمان چهار دهه اخیر». پژوهش‌های زبان‌شناسی: نظریه و کاربرد، ۱ (۲)، ۱۹۹-۱۸۳.



حق مؤلف: نویسندگان

ناشر: دانشگاه کردستان

DOI: 10.22034/jls.2023.62845

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. E-mail: hosseinif647@gmail.com

۲. استادیار زبان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. E-mail: mirajil80@gmail.com

۳. استادیار آموزش زبان انگلیسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. E-mail: majidtabatabaee1@gmail.com

۱. مقدمه

از آنجایی که زبان نوع بینش، تفکر و نگرش ما را به جهان مشخص می‌کند، شرایط جامعه، باورها، وسایل ارتباط جمعی، اخبار، اقتصاد، داستان، اشعار و موسیقی تفکری را شکل می‌دهند که نمود آن علاوه بر زبان در رفتار نیز جاری می‌شود و مسیر و حرکت ما را در زندگی مشخص می‌کند. حرکت اگر مثبت باشد، یعنی حرکت و تحرک روبه‌بالا باشد، نشان از تفکر و شرایط مثبت، امید و دستیابی به موفقیت دارد و حرکت اگر منفی و روبه‌پایین باشد نشان از یأس و ناامیدی دارد که موجب عدم پیشرفت و خلاقیت و شادمانی می‌شود. در دنیای امروز ادبیات گنجینه‌ای است دست‌یافتنی از آنچه که یک جامعه در بطن خود دارد مانند: افکار، عقاید، پیشرفت و افول، خوشی و غم. اجتماع و شرایط آن در زندگی انسان همواره تأثیرگذار و از اهمیت بسیاری برخوردار بوده است. از این رو، پیوند ادبیات و جامعه همواره از موضوعاتی است که به آن توجه شده است و بسیاری از پژوهش‌ها بر محور اثر ادبی، محیط اجتماعی و تأثیر و تأثرات متقابل آن‌ها انجام می‌گردد. زبان‌شناسی و به طور خاص تر معنی‌شناسی شناختی رویکردی در مطالعه زبان است که به بررسی رابطه میان زبان انسان، ذهن او و تجارب فیزیکی و اجتماعی می‌پردازد. به عبارت دیگر در زبان‌شناسی شناختی تلاش می‌شود تا مطالعه زبان بر اساس تجربیات ما از جهان، نحوه درک و شیوه مفهوم‌سازی باشد (راسخ‌مهند، ۱۳۸۸: ۷).

به کمک زبان، ادبیات و تحلیل جامعه می‌توان تأثیرات و بروز آن‌ها را بررسی نمود. در واقع، ادبیات از جمله عناصر تأثیرگذار در جوامع مختلف بشری است؛ بنابراین، درک معنا و مفاهیم نهفته در این متون بسیار حائز اهمیت است که این مهم از طریق تحلیل و بررسی متون ادبی از جنبه‌های مختلف حاصل می‌آید. یأس و امید هم دو مقوله به هم پیوسته عاطفی هستند که همیشه مورد تفکر بشر و بررسی متخصصین در مورد زمینه‌ها، علل فردی و اجتماعی که سبب شکل‌گیری آنها می‌شود، بوده است. در ادبیات نیز شاعران و نویسندگان تحت تأثیر عوامل اجتماعی و فردی یأس و امید را در آثارشان بازگو کرده‌اند. یکی از راه‌های تحلیل ادبی که سابقه نوینی در زبان فارسی دارد نظریه‌های زبان‌شناسی و کاربرد استعاره‌هاست، از آنجایی که بررسی و تحلیل استعاره‌ها با تجربه و حواس انسان سروکار دارند و ابزار مناسبی برای تشخیص چگونگی اندیشیدن و بروز آن در زبان و رفتار است. لیکاف و همکارانش برای نشان دادن اهمیت

استعاره در زبان مجموعه‌ای از متداول‌ترین استعاره‌ها را تحت عنوان استعاره‌های فضایی^۱ که قابل طبقه‌بندی به استعاره‌های بالا و پایین هستند تقسیم نموده‌اند (صفوی، ۱۳۹۰: ۳۶۹). در واقع، وقتی راجع به شادی و امید صحبت می‌کنیم، آن‌ها به طبقه بالا، و غم و یأس را به گروه پایین طبقه‌بندی می‌کنیم. در پژوهش حاضر استعاره‌های بالا که حاکی از امید، و استعاره‌های پایین که حاکی از یأس است بر اساس دیدگاه لیکاف^۲ و جانسون^۳ (۱۹۸۰) و در چارچوب معنی‌شناسی شناختی از میان چهار رمان پرمخاطب دهه ۶۰، ۷۰، ۸۰، ۹۰ ایران، (رمان نخل‌های بی سر، روی ماه خدا را ببوس، چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم و پاییز فصل آخر است) بررسی می‌شود. بدین منظور پژوهش حاضر سعی دارد تا از طریق زبان‌شناسی و تحلیل چهار رمان از توالی پیوسته چهار دهه به‌عنوان نمونه تأثیر محیط بر زبان و نمود آن را در رمان‌ها بررسی نماید، میزان استعاره‌ها و بیشترین مقدار آن را در هر رمان که مربوط به یک دهه خاص است مشخص و نیز ارتباط استعاره‌ها با تجربیات زیسته و فرایندهای شناختی را بررسی و تحلیل نماید. به‌طور مشخص نوشتار حاضر در پی یافتن پاسخ برای پرسش‌های زیر است:

۱- آیا استعاره‌ها با تجربیات زیسته مربوط به هر دهه و فرایندهای شناختی ارتباطی دارد؟

۲- آیا زمانی وجود دارد که میزان استعاره‌های بالا از استعاره‌های پایین در آن بیشتر باشد؟

۳- نمود استعاره‌های بالا و پایین در رمان‌ها چگونه است؟

برای پرسش اول استعاره‌ها با تجربیات زیسته مردم در چهار دهه و فرایندهای شناختی ارتباط دارد و برای دو پرسش بعدی به ترتیب در هیچ دهه‌ای میزان استعاره‌های پایین از استعاره‌های بالا بیشتر نیست و نمود استعاره‌ها یکسان است.

۲. پیشینه پژوهش

در حوز، استعاره، پژوهش‌های زیادی از دیدگاه‌های متفاوتی انجام شده است؛ اما بررسی و طبقه‌بندی در مورد استعاره‌های فضایی در رمان‌ها و ادبیات چندین دهه به‌طور متوالی و تحلیل آن نسبت به اوضاع اجتماعی کمتر صورت گرفته است. در ادامه، به بررسی پژوهش‌های مربوطه در آثار نویسندگان ایرانی و غیرایرانی خواهیم پرداخت.

عابدی مقدم (۱۳۸۲) طرحواره‌های تصویری در بررسی استعاره‌های زبان فارسی به بررسی

1 spatial metaphor

2 G. Lakoff

3 M. Johnson

استعاره‌های فارسی در قالب سه طرح‌واره حرکتی، قدرتی و حجمی می‌پردازد. او علاوه در به‌کارگیری طرح‌واره‌های فوق دست به معرفی طرح‌واره‌هایی مانند طرح‌واره وزن، دما، ابزار، رنگ، طول، جهت و طعم می‌زند. وی در پایان نتیجه می‌گیرد که شکل‌گیری استعاره‌های زبان فارسی را با افزایش و کاهش معنایی بهتر می‌توان توجیه کرد تا با رویکرد طرح‌واره‌ای.

افق (۱۳۹۲) به بررسی استعاره در گفتار روزمره زنان و مردان در چارچوب زبان‌شناسی شناختی لیکاف و جانسون و نیز به توصیف استعاره و انواع آن و میزان کاربرد آن در میان زنان و مردان پرداخته است. نتایج حاکی از آن بود که زنان و مردان در گفتار روزمره خود بیشتر از استعاره‌های هستی‌شناختی استفاده می‌کنند و از این حیث تفاوتی در کاربرد استعاری بر اساس جنسیت میان مردان و زنان نبوده است.

آرمان (۱۳۹۸) کارکرد نظریه معناشناسی شناختی (استعاره مفهومی و طرح‌واره تصویری) در تحلیل و توصیف ضرب‌المثل‌های فارسی را بررسی نموده است. نگارنده کوشیده است تا از طریق بررسی و توصیف مثل‌ها، کارکرد نظریه معناشناسی شناختی را در ضرب‌المثل‌های موردنظر، تبیین نماید و به شناخت گسترده‌تری از باورها، پسندها و ناپسندها، اندیشه و فرهنگ مردم ایران دست یابد.

فرید (۱۴۰۰) به بررسی استعاره‌های مربوط به کرونا در برخی خبرگزاری‌های فارسی پرداخته است. وی در پژوهش خود آورده است: ویروس کرونا تأثیرات عمیق و گسترده‌ای در همه جنبه‌های زندگی بشر داشته است، زبان انسان نیز از این تأثیرات بی‌بهره نبوده و پژوهش درباره نحوه بهره‌گیری از زبان برای توصیف این پدیده جهان‌شمول امری مهم محسوب می‌شود. یکی از موضوعاتی که در بررسی تغییرات زبانی حاصل از شیوع بیماری کرونا به چشم می‌خورد، استعاره است. استعاره‌ها نقش مهمی در فهم جنبه‌های گوناگون این پدیده ایفا می‌کنند. توصیفات صرفاً زیست‌شناختی از این ویروس نمی‌تواند همه اقدار جامعه را متوجه شرایط موجود کند، به همین دلیل رسانه‌ها از استعارات و سایر نمادهای قابل درک متداول در فرهنگ عامه مردم استفاده می‌کنند.

لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) در اثر خود سعی دارند تا با ارائه انواع مثال‌ها از سه نوع استعاره مفهومی ساختی، جهت‌دار و هستی‌شناسانه آنها را بشناسانند و در پایان نیز به این نتیجه می‌رسند که استعاره تنها باعث وضوح و گیرایی بیشتر اندیشه‌های ما نمی‌شود؛ بلکه عملاً ساختار ادراک‌ها

و دریافت‌های ما را تشکیل می‌دهد.

مولر^۱ و اورتون^۲ (۱۹۹۸) در اثر خود تحت عنوان چگونه کودک رشد می‌کند: بازنگری دوباره از طرح‌واره‌های تصویری و رویکرد عملی به بازنمایی رشد تفکر بازنمودی را از دو دیدگاه متفاوت بررسی کرده‌اند. دیدگاه نخست رویکردی کنشی-نظری است و دیدگاه دیگر رویکردی با طرح‌واره‌های تصویری است که نظریه مندلر هست. به نظر ایشان با در کنار هم قراردادن این دو رویکرد و مقایسه آن‌ها می‌توان به مشکلات مفهومی و تجربی که در ذات طرح‌واره‌های تصویری وجود دارد پی برد. نتایج حاصل از تحقیقات ایشان نشان می‌دهد که نظریه طرح‌واره‌های تصویری ریشه در رویکرد بازنمودگرایی تجربی دارد.

زلاتف^۳ (۲۰۰۵) در مقاله‌ای با عنوان «چه چیزی در یک طرح‌واره وجود دارد؟» به بیان طرح‌واره‌های تقلیدی می‌پردازد. به باور وی، کاربرد طرح‌واره‌های تقلیدی بسیار مناسب‌تر از طرح‌واره‌های تصویری دارای چندمعنایی است. او طرح‌واره‌های تقلیدی را از ویژگی‌های منحصر به فرد انسان می‌داند که می‌توانند اساس و پایه معنای زبانی را تشکیل دهند. آن‌ها در حقیقت بازنمایی‌های ذهنی و غیر کلامی هستند که مفاهیم اولیه در دسترس ما را شامل شده و فراگیری زبان را امکان‌پذیر می‌سازند. آن‌ها، همچنین، پایه تحول زبان بوده و در ارتباط میان تجارب و معنای مشترک نقش به‌سزایی دارند.

کوچش^۴ (۲۰۱۰) با تأکید بر ادعای خود مبنی بر یک‌سویه بودن استعاره‌ها، به‌مرور برخی از متداول‌ترین حوزه‌های مبدأ و مقصد می‌پردازد. این حوزه‌های مبدأ عبارتند از بدن انسان، سلامتی و بیماری، حیوانات، دستگاه‌ها و ابزارها، ساختمان، گیاهان، بازی‌ها و ورزش، آشپزی و غذا، پول و معاملات اقتصادی، نیروها، روشنایی و تاریکی، گرما و سرما، حرکت و جهت. حوزه‌های مقصد رایج نیز عبارت‌اند از احساس، میل، اخلاق، فکر، جامعه، مذهب، سیاست، اقتصاد، روابط انسانی، رخدادهای و کنش‌ها، ارتباط، زمان و زندگی و مرگ.

زوندیک^۵ (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان «طرح‌واره تصویری شیء» به بررسی طرح‌واره‌ها از جمله طرح‌واره نیرو می‌پردازد و می‌گوید تنها طرح‌واره‌های شی از لحاظ مفهومی مستقل هستند

1U. Müller

2W. Overton

3J. Zlatev

4Z. Koveceses

5A. szwedek

و طرحواره تصویری حداقل یک ساختار ذهنی است و یک طرحواره تصویری شی یک نهاد مستقل از لحاظ مفهومی است و یک شی فیزیکی را نمایندگی می‌کند، شیئی که ویژگی اصلی آن از طریق لمس با محدودیت شکل، اندازه و غیره تجربه می‌شود.

پارسه^۱ (۲۰۲۲) در مقاله‌ای با عنوان «استعاره: معانی و حقایق استعاری انسان‌شدن» به بررسی معنای استعاره از منظر انسان‌شدن در اصطلاحات رایج و علمی می‌پردازد. آنچه که وی اشاره می‌کند تأکید بر این نکته است که استعاره بیشتر در روایات ادبی و شعر بکار می‌رود و او استعاره‌های رایج در علم و پزشکی را مورد بررسی قرار داده است.

۳. مبانی نظری پژوهش

در این بخش به چارچوب نظری پرداخته می‌شود. در ابتدا به تعریف «زبان‌شناسی شناختی» و سپس «معنی‌شناسی شناختی» و مباحثی درباره «استعاره‌های فضایی» طبق نظر لیکاف و جانسون شرح داده می‌شود. زبان‌شناسی شناختی رویکردی جدید از تفکر زبان‌شناختی است که به بررسی رابطه میان زبان انسان، ذهن و تجارب اجتماعی و فیزیکی او می‌پردازد. در زبان‌شناسی شناختی، تعامل با جهان به وسیله ساختارهای اطلاعاتی ذهن صورت می‌گیرد و در این میان، بر زبان طبیعی به عنوان وسیله‌ای برای سازماندهی، پردازش و انتقال اطلاعات تأکید می‌شود. در این رویکرد فرض بر این است که زبان، یک قوه ذهنی غیرحوزه‌ای و وابسته به دیگر قوای ذهنی است. به عبارت دیگر زبان‌شناسی شناختی بر پیوند زبان و ذهن تأکید دارد (لانکاگر، ۲۰۰۸: ۶۷).

معنی‌شناسی شناختی در اواخر نیمه دوم قرن بیستم پدیدار گشت. در این رویکرد، مطالعه معنا در چارچوب نظام شناختی انسان و چگونگی شکل‌گیری آن در تعامل با دنیای خارج و نه صرفاً به عنوان یک شبکه از روابط داخل زبانی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در معناشناسی شناختی عمده توجه به ساختار مفهومی و مفهوم‌سازی است. در این عرصه زبان‌شناسان به بررسی دانش بازنمایی (نشانه) و نحوه ساخته شدن معنی می‌پردازند و در پی ارائه مدلی از نحوه اندیشیدن و ذهن انسان در به کارگیری زبان خود در ارتباط با محیط پیرامون خود هستند. معنی‌شناسی شناختی به بررسی رابطه تجربه، نظام مفهومی و ساختار معنایی که به وسیله ذهن دریافت می‌شود می‌پردازد (ایوانز و همکاران، ۲۰۰۶: ۲۵). در این رویکرد، توجه معطوف به استعاره به عنوان یک ابزار زبانی است. در این راستا، استعاره‌های فضایی یا جهتی استعاره‌هایی هستند که عمدتاً

مفاهیم را بر اساس جهت‌گیری فضایی، مانند بالا، پایین، عقب، جلو، دور، نزدیک و غیره، سازماندهی و مفهومی می‌کنند. کارکرد استعاری این جهت‌گیری‌های فضایی از این واقعیت نشئت می‌گیرد که بدن انسان مکان‌مند و فضایی است و شکل عملکرد جسم وی با کارکردهایش در محیط بیرون یکسان است. بدین ترتیب استعاره‌های جهت‌گیرانه، به مفاهیم، جهت‌گیری فضایی می‌دهند. لیکاف و جانسون برای استعاره‌های جهتی، چند نمونه اصلی زیر را ارائه می‌کنند که اساس استعاره‌های فرعی بسیاری در زندگی روزانه است: شادی بالاست؛ اندوه پایین است. - تسلط و قدرت بالاست؛ مقهور و ضعیف بودن پایین است. خوب بالاست؛ بد پایین است، یا بیشتر بالاست؛ کمتر پایین است. این دو نظریه پرداز معتقدند انتخاب و کاربرد اغلب استعاره‌های جهتی اختیاری نیست، چراکه آنها ریشه در تجربه‌های فردی و فرهنگی ما دارند و به همین دلیل، ممکن است این استعاره‌ها به‌رغم ماهیت مادی مشترک که ناشی از ساختار یکسان بدن انسان و عملکرد آن است، از فرهنگی به فرهنگی دیگر متفاوت باشند (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰: ۱۴).

استعاره‌های جهتی دو نوع از مفاهیم را سازمان‌دهی می‌کنند؛ دسته اول مفاهیم ساده فضایی مانند بالا، پایین و یا مفاهیمی که ما آن‌ها را به‌طور مستقیم و در پیوند با کارکردهای بدنی هر روزه‌مان درک می‌کنیم. دسته دوم، مفاهیمی که به‌طور آشکار، مربوط به فیزیک بدن ما نیستند، بلکه در تجربه روزمره ما که دارای جایگاه عظیمی در زمینه پیش‌فرض‌های فرهنگی ماست ریشه دارند. این مفاهیم مربوط به قلمرو قضاوت‌های ذهنی، احساسات و عواطف، عدالت و اموری مانند اینها می‌شوند. به‌عبارت‌دیگر، بعضی مفاهیم کانونی در الفاظی که مربوط به جهات بالا - پایین، درون - بیرون، عقب - جلو تقسیم می‌شود، روشن‌تر تعریف شده‌اند، درحالی‌که تجربه‌های عاطفی مفهومی شده، بر پایه تجربه فضایی و ادراکی ما، وضوح کمتری دارند. استعاره‌های جهتی به ما این امکان را می‌دهد تا عواطفمان را در اصطلاحاتی که روشن‌تر تعریف شده، و یا مربوط به مفاهیم دیگری است؛ مانند سلامت، زندگی، تسلط و غیره مفهومی کنیم. از این منظر می‌توانیم از استعاره‌های دیدار شونده یا مفاهیم پدیدار شونده سخن بگوییم (همان، ۱۴).

۴. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است و آمار توصیفی در آن به کاررفته است. جامعه آماری متون به‌ترتیب از آثار پرمخاطب و پرتیراژ که در آن به‌گونه‌ای مسائل اجتماعی

مطرح شده انتخاب شده است. برای بررسی بهتر آثار انتخابی از دو نویسنده زن و دو نویسنده مرد گلچین شده است. *نخل‌های بی‌سر* از «قاسم علی فراست» مربوط به دهه ۶۰، *روی ماه خلد را* بیوس اثر «مصطفی مستور» مربوط به دهه ۷۰، *چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم* اثر «زویا پیرزاد» مربوط به دهه ۸۰ و *پاییز فصل آخر است* «نسیم مرعشی» مربوط به دهه ۹۰ که از منظر استعاره‌ای به صورت کتابخانه‌ای تحلیل و توصیف می‌شود. در هر بخش داده‌ها از ابتدا، میانه و انتهای رمان‌ها با توجه به نظریات لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) با عنوان استعاره‌های بالا و پایین تقسیم‌بندی و استعاره‌های یأس و امید جداگانه اشاره و جمع‌بندی می‌شوند. بدین ترتیب، پژوهشگر به منظور بررسی و تحلیل فرضیه‌های پیشنهادی برای این پژوهش و گردآوری اطلاعات و تعیین حجم نمونه آماری، جامعه آماری، چگونگی تحلیل داده‌های زبانی و الگوهای انتخابی از روش تحلیل محتوا استفاده کرده است. داده‌ها به استعاره‌های فضایی بالا و پایین دسته‌بندی و در جداول ارزیابی شدند. در نهایت، نگارندگان بر اساس نتایج آمار توصیفی به دست آمده، به بحث و تفسیر نتایج پرداخته است.

رمان *نخل‌های بی‌سر* اثری از «قاسم علی فراست» است و داستان مقاومت مردم خرمشهر، ایثار و رشادت‌های آن‌ها در هشت سال دفاع مقدس را روایت می‌کند. داستان با شروع جنگ آغاز می‌شود و «ناصر»، شخصیت اصلی داستان است که در کنار برادرش «حسین» و خواهرش «شهناز» در مقابل دشمنان بعثی می‌ایستند. خانواده «ناصر» در تب و تاب ماندن یا رفتن سرگردان‌اند؛ پدر و مادر او گمان نمی‌کنند جنگ به این راحتی خانه و کاشانه آن‌ها را هدف قرار دهد. «ناصر»، حسین و شهناز، پدر و مادر را ترغیب به رفتن می‌کنند و خود می‌مانند تا از شهر دفاع کنند. این کتاب از «اولین» آثار ادبیات دفاع مقدس است و مورد توجه مخاطبان قرار گرفته و تاکنون بارها تجدید چاپ شده است.

روی ماه خلد اوند را بیوس نام اولین و محبوب‌ترین رمان مربوط به «مصطفی مستور» است که در دهه ۷۰ چاپ شده است. رمان با موضوعی هستی‌شناسانه و در پی پاسخ به پرسش‌هایی است که همیشه در جدال بین عقل و احساس مطرح می‌شوند. نویسنده در این رمان افکار دینی، معرفت‌شناسی، جامعه‌شناسی خود را با زبان شخصیت‌های داستان بیان می‌کند که بر پایه سه محور اساسی: شک، عدم قطعیت، تنهایی، بنیان نهاده است.

همچنین، *چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم* اثر زویا پیرزاد در دهه ۸۰ چاپ شده است و جوایزی

همچون بهترین رمان سال پیکا، بهترین رمان سال بنیاد «هوشنگ گلشیری»، کتاب سال وزارت ارشاد جمهوری اسلامی و لوح تقدیر جایزه ادبی یلدا را به دست آورد. داستان این رمان در جنوب ایران می‌گذرد و ماجرای مشکلات یک زن خانه‌دار ایرانی-ارمنی در برآورده کردن توقعات خانواده‌اش، یکنواختی زندگی و خستگی را روایت می‌کند. تلاش برای انس گرفتن با محیط، بن‌مایه دیگر این داستان است.

پاییز فصل آخر است عنوان رمانی از نسیم مرعشی است که توسط نشر چشمه در سال ۱۳۹۳ منتشر شده است. چاپ پنجاه و دوم آن سال ۱۴۰۰ منتشر شده است. این رمان در سال ۱۳۹۴ برنده جایزه ادبی جلال آل احمد شده است. کتاب روایت زندگی سه دختر جوان به نام‌های «شبانہ، روجا و لیلا» است. این رمان در شش فصل و به زبانی ساده و روان بیان شده و نویسنده تلاش می‌کند در این کتاب به خوبی به مشکلات زنان امروز اشاره کند. در طول داستان، هر کدام از شخصیت‌های داستان درگیر مسائل متفاوتی هستند. یکی از آنها با مهاجرت درگیر است، بعدی با هویت شغلی و اجتماعی و دیگری با روابط عاطفی.

۵. بررسی استعاره‌های بالا و پائین در رمان

در این بخش نمونه‌هایی از داده‌های گردآوری شده در رمان‌های چهار دهه اخیر نخل‌های بی سر، روی ماه خدا را ببوس، چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم، پاییز فصل آخر است، فهرست خواهد شد تا از طریق آن استعاره‌های بالا و پایین مشخص و بررسی شود. استخراج داده‌ها از کل متون چهار دهه به ترتیب صورت گرفته است. در تنظیم فهرست داده‌ها ابتدا هر رمان به تفکیک آورده شده است. سپس استعاره‌های پایین و استعاره‌های بالا آورده شده است. استعاره‌هایی که حاکی از یأس و امید است جداگانه جدول‌بندی شده‌اند و تأثیر شرایط بر استفاده از این استعاره‌ها ذکر شده است. تمرکز بر آن بوده است که داده‌ها بر اساس انگاره مطرح شده‌ها از سوی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) با عنوان استعاره‌های فضایی (بالا-پایین) گردآوری و نتایج بررسی‌ها با توجه به تأثیر شرایط هر دهه تحلیل شود.

۵-۱ تحلیل استعاره‌های فضایی بالا و پایین در رمان دهه ۶۰

الف. نمونه‌هایی از استعاره‌های پایین

همان‌گونه که جدول ۱ نشان می‌دهد، لبریز شدن کاسه صبر زن، افتادن صدای اذان از گلدسته‌ها، سقوط شهر، غریب و اسیرافتادن شهر همگی بیانگر ایجاد عواطف ناخوشایندی همچون

اضطراب، نگرانی، خشم و اندوه است که اینها منجر به حالت اندوه و یأس و ناامیدی می‌شود که استعاره‌های پایین هستند.

جدول ۱. استعاره‌های پایین در رمان نخل‌های بی سر

نمونه جملات	استعاره‌های پایین
۱ طاق زن طاق می‌شود و کاسه صبرش لبریز	صبر لبریز می‌شود
۲ صدای اذان از گلدسته‌های مسجد جامع افتاده	صدای اذان گویی از گلدسته‌ها پایین افتاده است به خاطر جنگ و خونریزی دشمن
۳ ناصر که به جهان آرا می‌رسد، می‌گوید محمد شهر دارد سقوط می‌کند	سقوط و افتادن شهر به دست دشمن
۴ حالا شهر غریب و اسیر افتاده است و زمینش زیر گام‌های سنگین دشمن لگدمال می‌شود	شهر همانند انسان بی دفاعی زیر پای دشمن افتاده است

ب. نمونه‌هایی از استعاره‌های بالا

جدول ۲. استعاره‌های بالا در رمان نخل‌های بی سر

نمونه جملات	استعاره‌های بالا
۱ روبرویش - انتهای خیابان رستاخیز - گلدسته‌های مسجد، پایه پای هم قدم کشیده‌اند و می‌خواهند سرشان را بر آسمان بمالند.	قد برافراشتن گلدسته‌ها رو به آسمان
۲ گله گله شهر سنگرهای قدونیم قد علم کرده‌اند	برافراشته شدن
۳ خورشید بهاری خودش را بالا کشیده است	خورشید بهار نماد امید است و از پس روزهای تاریک بالا آمده
۴ صدای پیچیدن کلید در قفل بلند می‌شود	صدای کلید که حاکی از آمدن فردی از خانواده است بلند می‌شود و به گوش می‌رسد

بر اساس چارچوب پژوهش و طبق نظر لیکاف (۱۹۸۰) که پیش‌تر به آن اشاره شد، «شادی» بالاست؛ «اندوه» پایین است. «تسلط و قدرت» بالاست؛ «مقهور و ضعیف بودن» پایین است. «خوب» بالاست؛ «بد» پایین است، یا «بیشتر» بالا و «کمتر» پایین است.

جدول بالا نشان می‌دهد آن چه که بالاست همانند پایه‌ای هم قد کشیدن گلدسته‌ها که استعاره از اتحاد مردمان، علم کردن سنگر برای نجات شهر و مردمش، بالا آمدن خورشید بهاری استعاره از طی شدن تاریکی‌ها و امیدوار بودن است، بلندشدن صدای قفل در استعاره از انتظار آمدن عزیزی و زنده‌بودن او از جنگ است که نشان از امید است. موارد یاد شده استعاره‌های بالا هستند که حاکی از تلاش برای پیروزی، شادی و انتظار و امید را در بر دارد. در رمان «نخل‌های بی سر» با توجه به جنگ و شرایط اقتصادی و سیاسی و فرهنگی پیش‌آمده با استعاره‌هایی مواجه هستیم که استعاره‌ها و طرح‌واره‌های جنگ با زبان مردمان آمیخته است.

۲-۶ تحلیل استعاره‌های فضایی بالا و پایین در رمان دهه ۷۰

الف. نمونه‌هایی از استعاره‌های پایین

جدول ۳. استعاره‌های پایین در رمان روی ماه خدا را ببوس

نمونه جملات	استعاره‌های پایین
۱ احساس می‌کنم کسی روح مرا از بالای ساختمانی پایین انداخته است	افتادن و داغان شدن روح
۲ وقتی زندگی را کنار بگذاری لابد افتاده‌ای توی مرگ	کنار گذاشتن زندگی همانند افتادن در مرگ است
۳ در خودش فروریخت و از آن ارتفاع فروافتاد	فروافتادن از خود

جدول ۳ مشخص می‌کند پایین افتادن و سقوط روح، ناامیدی و کنار گذاشتن زندگی و افتادن در مرگ و فروافتادن در خود استعاره‌های پایین‌اند.

ب. نمونه‌هایی از استعاره‌های بالا

جدول ۴. استعاره‌های بالا در رمان روی ماه خدا را ببوس

نمونه جملات	استعاره‌های بالا
۱ وقتی طلوع کردی من آن بالا بودم پشت شیشه محو تو	طلوع کردن و به ظهور رسیدن
۲ از خواب بلند می‌شوم	بیدار شدن و برخاستن
۳ به بچه‌های توی پارک نگاه می‌کنم که یکی یکی بادیادک‌های	رفتن بادیادک‌ها به بالا و فریاد

کاغذی شان را هوا می‌کنند و از اعماق جان فریاد شادی می‌کشند.

چنانچه در جدول بالا مشاهده می‌شود، طلوع کردن و بالا بودن، بلندشدن به معنای بیدارشدن. از آنجایی که انسان و غالب دیگر پستانداران درازکش می‌خوابند و هنگامی که بیدار می‌شوند می‌ایستند، این بیدارشدن و ایستادن استعاره بالا و امیدبخش است. فریاد شادی و رفتن بادبادک‌ها به هوا استعاره از بالا رفتن و افراشتن آرزوهاست که استعاره‌های بالا و امیدبخش هستند. استعاره‌های بکار رفته در رمان «روی ماه خدا را ببوس» در دهه ۷۰ با توجه به شرایط بعد از جنگ دغدغه و تفکر افراد جامعه در شرایط پس از جنگ را هویدا می‌کند. مردمی که از جنگ بیرون آمده‌اند و با ویرانی‌های ناشی از آن مواجه شده‌اند، می‌خواهند کشور و سرزمین و قوای ازدست‌رفته‌شان را بسازند؛ اما با کشمکش‌ها و تردیدهای بیرونی و درونی مواجه‌اند.

۳-۶ تحلیل استعاره‌های فضایی بالا و پایین در رمان دهه ۸۰

الف. نمونه‌هایی از استعاره‌های پایین

جدول ۵. استعاره‌های پایین در رمان چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم

نمونه جملات	استعاره‌های پایین
۱ افتادم وسط فکر و خیال	افتادن و گیر کردن در فکر
۲ فاجعه هر روز اتفاق می‌افتد	اتفاق افتادن فاجعه
۳ عصبانی بودم از دست نینا و از ناراحتی افتادم	از ناراحتی افتادن

افتادن در دام فکر، اتفاق افتادن فاجعه، عصبانی شدن از تحمیل اجبار و زور استعاره‌های پایین هستند. غصه و ناراحتی و یا امید و شادی هم می‌تواند مبنای روحی داشته باشد و هم فیزیکی که حالت خمیدگی و پایین افتادگی نوعاً با غصه و ناراحتی، حالت راست و صاف بودن با وضع عاطفی امیدوارکننده همراه است.

ب. نمونه‌هایی از استعاره‌های بالا

جدول ۶. استعاره‌های بالا در رمان چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم

نمونه جملات	استعاره‌های بالا
۱ آرمن که زیر چشمی به امیلی نگاه می‌کرد و دوباره از خنده افتاد	افتادن از شدت خنده که از خوشحالی نشاط روح بالا می‌رود

۳ بیدار شو خواهر، در دنیایی که جمیله‌ها با خون خودفرمان آزادی بیدار شدن و آگاهی یافتن ملتی را بر صفحه تاریخ می‌نگارند تنها لب گلگون و چشم مخمور داشتن شرط زن بودن نیست

۴ حس کردم سبک شدم و روحم پرواز می‌کند سبک شدن و پرواز روح

همان‌طور که در جدول بالا نشان داده شده است، سردادن خنده با حالتی شاد، دعوت به بیداری برای یافتن خویش و حرکت به سمت هدفی والاتر، سبک شدن و رها شدن از هر چه که منجر به آزار شده است، همگی استعاره‌های بالا و رضایت‌بخش و حاکی از امید هستند.

۶-۴ تحلیل استعاره‌های فضایی بالا و پایین در رمان دهه ۹۰

الف. نمونه‌هایی از استعاره‌های پایین

جدول ۷. استعاره‌های پایین در رمان پاییز فصل آخر است

نمونه جملات	استعاره‌های پایین
چیزی ته دلم ذوب شد و پایین ریخت	فروریختن دل
از خستگی افتاده‌ام روی مبل	افتادن و ناتوان شدن از شدت کار
افتاده‌ام توی ترافیک ولیعصر و من خاله ریزه کوچکی هستم	افتادن و گم شدن در شلوغی ترافیک

گیر کردن و افتادن در ترافیک هر روزه، خستگی ناشی از کار و فکر، فروریختن دل از هر چیز ناراحت‌کننده‌ای استعاره‌های پایین هستند.

ب. نمونه‌هایی از استعاره‌های بالا

جدول ۸. استعاره‌های بالا در رمان پاییز فصل آخر است

نمونه جملات	استعاره‌های بالا
صدای خنده پسرها باز بالا می‌رود	بلند شدن صدای خنده
جواب پذیرش دانشگاه را گرفتم، خوشی از دلم می‌آمد بالا، جا نمی‌شد توی سرم	بالا آمدن شادی و شغف
از همان اول قراردادش را با قیمت بالا بسته بود	زیاد و بالا بودن قیمت قرارداد
بابا بفهمد بیمه شده‌ام از خوشحالی بال در می‌آورد	پرواز کردن از شدت خوشحالی

جدول ۸ نشان می‌دهد بیمه شدن و ساختن آینده، آمدن جواب پذیرش از دانشگاه و ورود به

یک‌دنیای جدید، بستن قرارداد بالا و درآمد بیشتر، صدای خنده و خوشحالی دور هم بودن هر کدام استعاره‌های بالا هستند که حالت خوب و مثبتی را نشان می‌دهد که گویای امید و دلگرمی است.

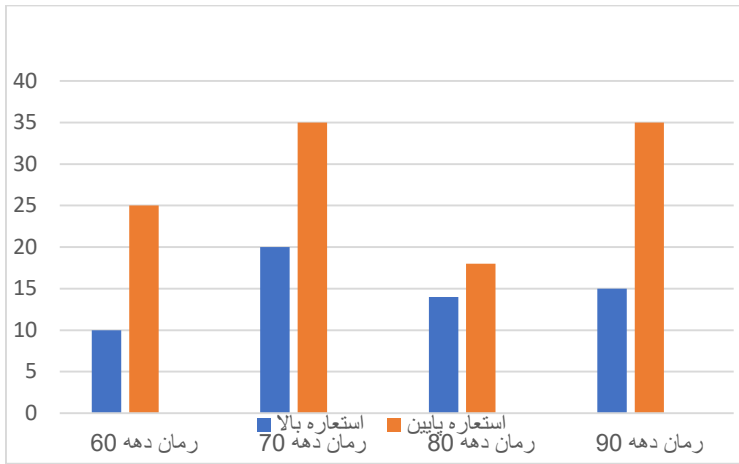
رمان «پاییز فصل آخر است» در دهه ۹۰ نوشته شده است. در شرایطی که با حجم وسیعی از افراد تحصیل کرده برای بهبود اوضاع و غلبه بر یأس‌های بیرونی و درونی همچون بیکاری، عدم موفقیت و ازدواج و نرسیدن به آرزوها مواجه هستیم و در این میان افراد تلاش می‌کنند تا با خوشحالی درون‌فکرشان و یادآوری خاطرات بر ناامیدی‌ها غلبه نمایند و عده‌ای نیز برای ساختن زندگی‌شان تصمیم به ادامه تحصیل و مهاجرت گرفته‌اند.

۶.۵ تحلیل آماری استعاره‌ها

همان‌طور که در نمودار مشاهده می‌شود میزان استعاره‌های بالا و پایین در هر چهار دهه نشان‌داده شده است. میزان استعاره‌های پایین در هر دهه بیش از استعاره‌های رو به بالاست. در دهه ۸۰ میزان استعاره‌های بالا و پایین تفاوت اندکی از یکدیگر دارند و بیشترین تفاوت مربوط به دهه ۹۰ است که استعاره‌های پایین بسامد بیشتری از استعاره‌های بالا دارد. جدول و نمودار تحلیل فوق به ترتیب زیر است:

جدول ۹. استعاره‌های بالا و پایین در رمان‌های چهار دهه اخیر

مجموع استعاره‌ها	استعاره پایین	استعاره بالا	رمان‌ها
۳۵	۲۵	۱۰	نخل‌های بی‌سر
۵۵	۳۵	۲۰	روی ماه خدا را ببوس
۳۲	۱۸	۱۴	چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم
۵۰	۳۵	۱۵	پاییز فصل آخر است



نمودار ۱. بسامد استعاره‌ها در رمان‌های چهار دهه

۷. بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش مطالعه‌ای است که به بررسی یأس و امید در چهار رمان از چهار دهه اخیر پرداخته است. بدین منظور از یافته‌های علم زبان‌شناسی در تحلیل رمان‌ها استفاده شده است. رمان‌های اجتماعی پرمخاطب نام‌برده شده به‌عنوان نمونه‌ای از هر دهه از بین پرتیراژترین‌ها انتخاب شد. با این هدف که تجربیات زیسته ما در زبان روزمره مشهود است نمونه‌هایی از ادبیات چهار دهه را به‌عنوان یک منبع موثق برای بررسی سیر امید و یأس با توجه به استعاره‌های فضایی بالا و پایین مورد تحلیل قرار دادیم. در این پژوهش سه پرسش مطرح شد ۱- آیا استعاره‌ها با تجربیات زیسته مربوط به هر دهه و فرایندهای شناختی ارتباطی دارد؟ ۲- آیا رمانی وجود دارد که میزان استعاره‌های بالا از استعاره‌های پایین بیشتر باشد؟ ۳- نمود استعاره‌های بالا و پایین در رمان‌ها چگونه است؟

برای پرسش اول فرض شد استعاره‌ها با تجربیات زیسته در چهار دهه و فرایندهای شناختی ارتباط دارد و برای دو پرسش بعدی به ترتیب فرض گرفته شد در هیچ دهه‌ای میزان استعاره‌های پایین از استعاره‌های بالا بیشتر نیست و نمود استعاره‌ها یکسان است. با توجه تحلیل‌های انجام‌شده در پژوهش به چنین نتایجی رسیدیم. برای این مسئله که آیا استعاره‌ها با تجربیات زیسته در چهار دهه و فرایندهای شناختی ارتباطی دارد، این فرضیه تأیید می‌شود که رابطه معناداری میان استعاره‌ها و تأثیر فضای جامعه بر آن وجود دارد و فرضیه اول تأیید می‌شود که ارتباطی میان استعاره‌ها و تجربیات وجود دارد. فرضیه مربوط به این پرسش که آیا دهه‌ای وجود دارد که

میزان استعاره‌های بالا از استعاره‌های پایین بیشتر باشد، با توجه به داده‌ها رد می‌شود؛ زیرا میزان استعاره‌های بالا در همه آثار از استعاره‌های پایین فراوانی کم‌تری دارد. در پرسش آخر مربوط به نمود استعاره‌های بالا و پایین این نتایج به دست آمد: دهه ۶۰ که دهه جنگ، دفاع، خونریزی و مقابله است تعداد استعاره‌های بالا ۱۰، استعاره‌های پایین ۲۵ است. دهه ۷۰ مردمی که از جنگ بیرون آمده‌اند و با ویرانی‌های ناشی از آن مواجه شدند کشمکش‌های بیرونی و درونی پیدا کرده‌اند و در این دهه با توجه به موقعیت، استعاره‌های بالا ۲۰، استعاره‌های پایین ۳۵ است. دهه ۸۰ که شرایط بهتر و امیدوارکننده‌تر است و افراد می‌توانند فارغ از معیشت به خود فکر کنند استعاره‌های بالا ۱۴ و استعاره‌های پایین ۱۸ است که اختلاف کمی بین استعاره‌ها نسبت به دهه‌های قبل وجود دارد. در دهه ۹۰ با حجمی وسیع از جامعه تحصیل کرده مواجه هستیم که نیروی امید و حرکت روبه‌بالا همان گونه که در جملات بررسی شد در آنها کمتر شده و آمارهای واقعی نیز نشان می‌دهد تصمیم برای مهاجرت بیشتر شده است. بیشترین اختلاف بین استعاره‌های بالا و پایین مربوط به دهه ۹۰ است، ۳۵ استعاره رو پایین و ۱۵ استعاره روبه‌بالا مربوط به این دوران است.

یافته‌های این پژوهش، انگاره موردنظر لیکاف و جانسون (۳۱:۱۹۸۰) را تأیید می‌نماید که نقش مبنای تجربی در فهم عملکرد استعاره‌ها مهم است، استعاره را نمی‌توان مستقل از اساس تجربی آن و پدیده‌ای لاینفک از زبان روزمره دانست. ارتباط محکمی میان تجربه‌های محیطی و مفهوم‌سازی‌های بشر وجود دارد که در زبان جلوه می‌کند. در واقع می‌توان نتیجه گرفت شرایط جامعه در ادبیات هر دوره تأثیرگذار و مشهود است و میزان جملات و استعاره‌های امیدبخش بالا و استعاره‌های پایین نباید در ادبیات و رمان‌ها از نظر دور بماند.

منابع فارسی

- آرمان، علیرضا (۱۳۹۸). «کارکرد نظریه معنانشناسی شناختی (استعاره مفهومی و طرح‌واره تصویری) در تحلیل و توصیف ضرب‌المثل‌های فارسی به کاررفته در متون ادبی». رساله دکتری زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه حکیم سبزواری.
- افق، شیدا (۱۳۹۲). «بررسی استعاره در گفتار روزمره زنان و مردان در چارچوب زبان‌شناسی شناختی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد تهران مرکز.

راسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۸). درآمدمی بر زبان‌شناسی شناختی: نظریه‌ها و مفاهیم، تهران: انتشارات سمت.

عابدی مقدم، هدی (۱۳۸۲). «طرح‌واره‌های تصویری در بررسی استعاره‌های زبان فارسی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی.

فرید، فرنوش (۱۴۰۰). «بررسی استعاره‌های مربوط به کرونا در برخی خبرگزاری‌های فارسی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه فردوسی مشهد.

صفوی، کوروش (۱۳۹۰). درآمدمی بر معنی‌شناسی. تهران: انتشارات سوره مهر.

یوسفی‌راد، فاطمه (۱۳۸۲). «بررسی استعاره زمان در زبان فارسی: رویکرد معناشناسی شناختی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تربیت مدرس.

References

- Evans, et al. (2006). *The Cognitive Linguistics Enterprise: An Overview. The Cognitive Linguistics Reader*. Equinox Publishing Ltd.
- Kövecses, Z. (2010). *Metaphor: A Practical Introduction*. Second edition. Oxford University press.
- Lakoff, G. & Johnson, M. (1980). *Metaphors We Live by*. University of Chicago Press.
- Langacker, R. W. (2008). "Cognitive grammar as a basis for language instruction". In P. Robinson and N. C. Ellis (Eds.). *Handbook of Cognitive Linguistics and Second Language Acquisition*. Routledge.
- Muller, Ulrich & W. F. Overton, (1998), "How to Grow a Baby: A Reevaluation of Image- Schema and Piagetion Action Approaches to Representation". *Human Development*. (Karger AG). 41(2): 71-111.
- parse, Rosemarie Rizzo. (2022). Metaphor: Meanings and human becoming metaphorical truths. *Nursing Science Quarterly*, 35(1), 15-19.
- Szwedek, Aleksander (2018) "The OBJECT Image Schema." [In:] Przemysław Żywiczyński, Marta Sibierska, Waldemar Skrzypczak (eds.). *Beyond Diversity: The Past and the Future of English Studies*. Berlin: Peter Lang; 57–89.
- Zlatev, J. (2005). "What's in a Schema? Bodily Mimesis and Grounding of Language". *From Perception to Meaning: Image Schemas in Cognitive Linguistics*. Beate Hampe and Joe Grady, eds. Berlin: Mouton de Gruyter, 313-342

